

# قلمرو مفهومی و مدل‌های مشارکت در آموزش و پرورش

## سیدجواد حسینی

مشارکت را نوعی درگیری عاطفی و ذهنی اشخاص در موقعیت‌های گروهی می‌دانند که موجب برانگیختگی آنها شده تا برای دستیابی به اهداف گروهی یکدیگر را بازی دهند و پذیرای مسوولیت شوند، لذا ویژگی‌های عمده مشارکت را ارادی و اختیاری بودن، آگاهانه بودن و مسوولیت‌پذیری برمی‌شمارند. اندیشمندان بسیاری چون جیمز میجلی در 1960 میلادی در نظریه دولت و مشارکت، شری ارنشتاین، تئوری نردبان مشارکت، اسکات دیویدسون، مدل گردونه مشارکت و دیوید درسیکل، موضوع اشکال مشارکت را طرح کردند در جمع‌بندی نظریات مشارکت‌محور می‌توان سه مدل مشارکت را مطرح کرد. مدل اول، مشارکت شعاری و تشریفاتی عموماً در این مدل هدف اصلی برنامه‌ریزان از مشارکت، تامین منافع و منابع خودشان است، دامنه مشارکت بیشتر تامین منابع مالی است، نگاه به مشارکت نگاهی ابزاری جهت مشروعیت بخشیدن به طرح‌های خود است، نظرخواهی از مشارکت‌کنندگان انجام نمی‌گیرد، حق اعتراض و نظارت به طرح‌ها وجود ندارد، جریان اطلاعات يك سو و از بالا به پایین است و معمولاً این مدل مشارکت با پشتوانه فکری و نظری مطلق‌گرایانه که مردم را صاحب حق نمی‌دانند در نظر گرفته می‌شود. در نظام تعلیم و تربیت ایران بخشی از برنامه‌های مشارکتی از چنین ویژگی برخوردارند به عنوان نمونه تشکیل مجلس دانش‌آموزی و شوراهای دانش‌آموزی نوعی مشارکت تزئینی محسوب می‌شوند گرچه در عرصه دانش‌آموزی خود مشارکت دانش‌آموزان در اموری مثل مجلس دانش‌آموزی و شوراهای دانش‌آموزی مدارس نوعی فعالیت تربیتی-اجتماعی محسوب می‌شود و موجبات تربیت اجتماعی-سیاسی ایشان را فراهم خواهد ساخت. بنابراین این نوع مدل مشارکت موضوعیت دارد گرچه می‌تواند با مشارکت و کیفیت بالاتری محقق شود. در این راستا کیفیت بخشی به تشکلهای دانش‌آموزی پیشگامان و فرزنانگان هلال‌احمر، بسیج و انجمن اسلامی و انجمن‌های علمی دانش‌آموزی بسترهای دیگری است که می‌تواند سطح مشارکت دانش‌آموزان را از سطوح تزئینی به سمت مشارکت واقعی هدایت کند.

مدل دوم مشارکت، مشارکت محدود نام دارد. در این نوع مشارکت هدف اصلی تامین منافع مشارکت‌کنندگان است، البته تا زمانی که منافع برنامه‌ریزان و مدیران تهدید نشود. دامنه مشارکت در اجرا، تامین مالی و به شکل محدود در برنامه‌ریزی به رسمیت شناخته می‌شود و نگاه آن است که کیفیت برنامه‌ها افزایش یابد، لذا از مشارکت‌کنندگان نظرخواهی صورت می‌گیرد گرچه به شکل جدی حق اعتراض و نظارت برای مشارکت‌کنندگان وجود ندارد، جریان اطلاعات معمولاً و غالباً از بالا به پایین و به شکل اندک و به ندرت از پایین به بالا وجود دارد و پشتوانه نظری این نوع مشارکت، دیدگاه کارکردگرایانه و فن‌سالارانه است که گرچه مردم حق اظهارنظر دارند، اما در نهایت تصمیم‌گیری با مدیران و برنامه‌ریزان است. مشارکت از نوع محدود در آموزش و پرورش ایران نیز مرسوم است. مشارکت والدین و معلمان جاهایی که طلب می‌شود عموماً از این دست مشارکتند. مشارکت اولیا در قالب انجمن اولیا و مربیان یا مشارکت معلمان در قالب شورای معلمان و شورای مدرسه که غالباً راهکارهای اعلامی یا اعمالی از سوی وزارت و ادارات کل و روسای نواحی در این شوراها طلب گواهی و تایید می‌گیرد در حالی که مشارکت معلمان و اولیا باید مشارکتی بالاصاله و واقعی باشد. شوربختانه اینچنین نیست یا جنبه تشریفاتی دارد یا در شکل بهتر آن مشارکتی است محدود. مدل سوم مشارکت، مشارکت واقعی است. این نوع از مشارکت با هدف تامین منافع مشارکت‌کنندگان اتفاق می‌افتد، دامنه مشارکت قلمروهای مختلف را در برمی‌گیرد. مشارکت فی‌نفسه موجب رشد فکری، روانی و اجتماعی و مدنی شهروندان می‌شود، نظرخواهی از مشارکت‌کنندگان وجود دارد، حق اعتراض و نظارت به رسمیت شناخته می‌شود، جریان اطلاعات دوسویه و فعال است. پشتوانه نظری این نوع از مشارکت، دیدگاه مردم‌سالارانه و مشارکت مستقیم و مبتنی بر منافع مشارکت‌کنندگان است، این نوع مشارکت، مشارکت واقعی و پایدار است. این مدل از مشارکت خود به سه دسته کلی تقسیم می‌شود؛ مشارکت واقعی نمادین مثل تظاهرکنندگان خیابانی برای تکریم یا نفي يك موضوع یا پدیده، مشارکت مقطعی مثل شرکت در انتخابات و مشارکت واقعی مستمر و پایدار مثل مشارکت مردم در قالب تشکیلات مثلاً احزاب، انجمن‌ها، تشکلهای علمی، صنعتی و غیردولتی. مشارکت واقعی از چند ویژگی برخوردار است، این نوع از مشارکت، مشارکتی است تقاضامحور و نه عرضه‌محور، مشارکتی است با مردم نه برای مردم و مشارکتی است مستمر، تشکیلاتی و منظم نه توده‌وار اتمیزه شده و پراکنده، در صورتی که مدل مشارکتی واقعی و از نوع خصوصاً مشارکت واقعی مستمر و نظام‌مند باشد به‌طور طبیعی از میزان اثرگذاری بیشتری نیز برخوردار خواهد بود. چنین مشارکتی شاه‌کلید ارتقای

کیفیت است، سرعت پروژه‌ها را مضاعف می‌سازد و از حیث اقتصادی و اجتماعی موفقیت زیادی را موجب خواهد شد و موجبات افزایش سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی را نیز فراهم خواهد ساخت. مشارکت واقعی و نظام‌مند آثار و کارکردهای مناسب بسیاری دارد. این نوع مشارکت موجب افزایش مسوولیت‌پذیری، فعال کردن ذی‌نفعان و مشارکت‌کنندگان، افزایش و ارتقای کیفیت، همگرایی و دفاع همگان از تصمیم‌گیری، نزدیکی مسوولان، برنامه‌ریزان، مدیران و سایر سطوح جامعه، افزایش کارایی مدیریتی، احساس تعلق خاطر ذی‌نفعان به طرح و برنامه‌ها، کاهش تعارضات ستاد تا صف، معلمان و مدیران و اولیا و دولت و جامعه خواهد شد، زمان اجرای پروژه‌ها را کوتاه کرده و نیز رشد و آگاهی مشارکت‌کنندگان را موجب خواهد شد و این همه موجب ارتقای سلامت و سرمایه اجتماعی جامعه و نظام تعلیم و تربیت خواهد شد. مشارکت اثربخش مشارکتی است واقعی و انواع دیگر مشارکت شکل‌های کامل و واقعی از مشارکت نیست و مخلوقات ناقص‌الخلقه مشارکتند. در نظام تعلیم و تربیت مشارکت معلمان، مدیران مدارس، کارشناسان، اولیا و دانش‌آموزان باید از این مدل مشارکت باشد که با تاسف عمیق اینچنین نیست. ایجاد سازمان معلمان و پارلمان معلمان نقش‌دهی واقعی در قالب تشکلهای دانش‌آموزی و شوراهای و مجلس دانش‌آموزان و نیز بازگشت به نقش واقعی انجمن اولیا و مربیان که مشارکت آنها را فراتر از مشارکت مالی تمهید کند و نیز نظام واقعی پیشنهادات برای کارکنان و مدرسه‌محوری می‌تواند نمونه‌هایی از مشارکت واقعی در نظام آموزش و پرورش تلقی شود.

منبع: روزنامه اعتماد 25 آبان 1402 □□□□□□